

و مفرد ماد لونک

کنیها و مردمهای اسلامی
در سده های میان

فهرست مطالب

۷	گفتار مترجم
۹	مقدمه
۱۱	۱- نخستین آرای اهل سنت درباره ایمان در کتاب الایمان ابو عبید قاسم بن سلام
۳۰	۲- ترکها و اشاعه ماتریدیه
۸۹	۳- نخستین مرجعه خراسان و ماوراء النهر و رواج حنفیه
۹۸	۴- ریشه‌های نزاع درباره خلق قرآن
۱۲۰	۵- کلام معتزله و امامیه
۱۳۷	۶- نقش شیعیان و خوارج در کلام پیش از اشعاره
۱۵۹	۷- رساله‌ای از شریف مرتضی در باب مشروعيت همکاری با سلطان
۱۸۲	۸- ولایت در شیعه اثنی عشری در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام
۱۹۵	۹- مباحث شیعه در باره مشروعيت خراج
۲۰۵	۱۰- نگاه شیعه به زن در آیینه فقه
۲۱۸	۱۱- ترکیب کلام، فلسفه و عرفان در مسلک ابن‌ابی جمهور احسائی
۲۳۰	۱۲- نکاتی چند درباره تشیع غیر اسماعیلی در مغرب
۲۴۰	۱۳- برخی از جنبه‌های کلام اسماعیلی، سلسله نبوت و خدای ماورای هستی
۲۵۲	۱۴- منابع فقه اسماعیلی
۲۷۰	۱۵- نسخه‌ای خطی از فرقه مطرفیه
۲۸۱	نمایه

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

گفتار مترجم

مطالعه و بررسی دیدگاههای خاور شناسان درباره اسلام - بویژه تشیع - چشم اندازی را از دریچه دید آنها نسبت به این موضوع ترسیم می‌کند. اگر استنباط آنان از اسلام علمی و بی‌غرض باشد که مطلوب همان است، و اگر مغضبانه و یکسونگرانه باشد، باز هم آگاهی از آن برای دانشمندان مسلمان ضروری است؛ چرا که قبل از هر چیز باید از اندیشه‌ها و نظریات آنان نسبت به اسلام آگاه شوند تا بتوانند پاسخگوی شباهت باشند. از هزاران کتابی که همه ساله درباره مسائل گوناگون اسلام به رشته تحریر در می‌آید، تنها شمار محدودی به دست ما می‌رسد و ما از محتویات آنها هیچ خبر نداریم و در نتیجه، اسلامی که ساخته و پرداخته آنان است، به جهان معرفی می‌شود. کتاب حاضر مجموعه‌ای است از مقالات ویلفرد فردیناند مادلونگ که در زمینه فرقه‌های اسلامی، بویژه شیعی، نگاشته شده است.

او در ۳۰ دسامبر ۱۹۲۶ م. در اشتوتگارت آلمان چشم به جهان گشود. در سال ۱۹۵۳ م. از دانشگاه قاهره لیسانس ادبیات گرفت. و در سال ۱۹۵۷ به اخذ درجه دکترا در رشته تاریخ اسلام از دانشگاه هامبورگ نایل آمد. طی سالهای ۱۹۵۸-۶۰ وابسته فرهنگی آلمان در عراق بود. در سال ۱۹۶۳ به استادیاری تاریخ اسلام در دانشگاه تگزاس رسید. در سالهای ۱۹۶۶-۶۹ استاد افتخاری مطالعات اسلامی دانشگاه هامبورگ بود. طی سالهای ۱۹۶۴-۶۶ استادیار تاریخ اسلام در دانشگاه شیکاگو و در سالهای ۱۹۶۶-۶۹ دانشیار شد و از سال ۱۹۶۹ به بعد سمت استادی همان دانشگاه را به دست آورد. وی در حال حاضر عضو انجمن شرق شناسی آلمان، انجمن شرق شناسی امریکا، موسسه مطالعات خاورمیانه‌ای امریکای

* شمالی و آکادمی مطالعات تاریخ میانه امریکاست.

مقالات‌های موجود در این اثر اغلب کوتاه و مختصر است؛ اما در واقع حکم کتابی مستقل دارد و بحث و بررسی بسیار بیش از آن را می‌طلبد. مؤلف هیچ جا بدون ارائه سند مطلبی ذکر نمی‌کند، و مراجع و منابع او اغلب دست اول و بسیار حائز اهمیت است. در ترجمه، تا آنجاکه ممکن بود، به اصل منابع موجود رجوع شد. برای درک دقیق بعضی اقوال و آراء، مثل گفته‌های عبدالعالی کرکی، عالم جلیل القدر شیعه، بهتر است به اصل منابع مراجعه شود تا پژوهشگر را به صواب رهنمون سازد. تاریخهای هجری و میلادی، به شیوه خود مؤلف، کنار هم آمدۀ‌اند، مانند: (۲۳۶/۸۳۹). پنج مقاله آن نیز به زبان آلمانی بود که امیدواریم در چاپهای بعدی ترجمه و گنجانده شود.**

در خاتمه، وظیفه خود می‌دانم که از دوست دانشور و فرزانه‌ام استاد حسن لاهوتی که با شکیایی تمام، سطر به سطر این اثر را با متن اصلی مقابله کردند و با ذوق وافر و دقت کم نظر ترجمه را از همه ناراستیها پیراستند سپاسگزار باشم.

جواد قاسمی

*- نهضت فرامطه، ترجمه و تدوین یعقوب آژند.

**- عنوانهای این مقاله‌ها عبارتند از: ۱- نکاتی درباره فرقه‌های امامیه. ۲- نکته‌گیریهای شهرستانی بر ابن سينا و جوابیه خواجه نصیرالدین طوسی ۳- راغب اصفهانی و علم اخلاق غزالی ۴- نخستین آثار بدعت آمیز معترزله ۵- ابوعیسی ورّاق و ...

مقدمه

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از بیشتر مقاله‌های اینجانب پیرامون تاریخ عقیدتی مکتبها و جنبش‌های مذهبی در سده‌های میانه اسلام. این مقاله‌ها پیشتر در نشریه‌های آموزشی و مجموعه‌های گردآوری شده به چاپ رسیده است. مطالعاتی که عمدتاً در زمینه تاریخ سیاسی این جنبش‌ها صورت گرفته از این اثر مستثنی شده‌اند. مقاله:

«Das Imamat in der Frühen ismailitischen Lehre»^{*} (*Der Islam* xxxvii [1961], pp. 43-135)

نیز حذف شده است. امید است بزودی ترجمه‌ای پیراسته از این مقاله به زبان انگلیسی که اساس برخی پژوهش‌های بعدی ام را درباره اسماعیلیه تشکیل می‌دهد، منتشر شود.

× سه مقاله نخست بتفصیل درباره مرجئه سخن می‌گوید. مقاله اول ردیه‌های ابو عبید قاسم بن سلام را درباره نظریات مرجئه پیرامون ایمان که از دیدگاه اصحاب حدیث سنی بیان شده است، تحلیل می‌کند. مقاله دوم پیدایش آیین ماتریدی که یکی از مکتبهای کلامی مرجئه در میان حنفیان ماوراءالنهری است و نیز گسترش آن را به نواحی مرکزی اسلام بر اثر اشاعه ترکها، بیان می‌دارد. در مقاله سوم، مباحثی پیرامون انتشار اوّلیه مرجئه و حنفیه به سمت ایران و آسیای مرکزی مطرح شده است. مقاله چهارم در باب اولین مرحله منازعه پیرامون خلق قرآن سخن می‌گوید و اشاره دارد به این که این منازعه وجه دیگری بود از کشمکش میان مفهوم تشییعی خداوند از نظر حدیث گرایان اهل سنت و مفهوم تنزیه‌ی خداوند از نظر جهم، معتزله و مخالفان دیگر.

کلام معتزلی، به طور کلی در مذهب شیعه اثنی عشری در دوره‌های بعد غالب آمد. قبول تدریجی آن از سده سوم هجری قمری در مقاله پنجم بررسی شده است؛ حال آنکه نظریات کلامی شیعه اثنی عشری پیش از معتزله، در مقاله ششم مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مقاله هفتم، سخن در باب رساله‌ای است از شریف مرتضی در این که آیا احرار مقام و منصب از حاکمی غیر شیعی برای شیعیان جایز است یا خیر. این رساله مقابله و تصحیح شد. آمده است

*- امامت در نخستین آموزه‌های امامیه.

که از دیدگاه فقه اثنی عشری کل حکومت در زمان غیبت امام معصوم بالضرورة غیر مشروع نیست. این موضوع بازبانی کلیتر و مفصلتر در مقاله هشتم می‌آید. مقاله نهم بحث درخصوص منازعه‌ای است میان علمای شیعه در دوران صفوی پیرامون مشروعيت خراج. در مقاله دهم، نظریات فقهی خاص شیعه درباره ازدواج موقت، طلاق وارث زنان مورد بحث قرار می‌گیرد. مقاله یازدهم به شرح اندیشه‌های مذهبی ابن ابی جمهور احسائی (۹۱۵ م.) می‌پردازد. وی از پیشگامان مکتب فلسفی اصفهان در دوران صفوی به شمار می‌آمد. در مقاله دوازدهم، اطلاعاتی اصیل درباره بجلیه، یکی از اجتماعات شیعی در جنوب غربی مراکش از سده سوم تا ششم هجری قمری، جمع آوری و تحلیل شده است. مقاله سیزدهم سیر تحول دو عنصر اصلی تفکر کهن اسماعیلی را بررسی می‌کند و مقاله چهاردهم براساس جزوی برجای مانده از کتاب الایضاح قاضی نعمان از منابعی که وی در تدوین فقه اسماعیلی استفاده کرده است، سخن می‌گوید. مقاله پانزدهم به تحلیل دیدگاههای مطرفیه می‌پردازد. براساس یکی از آثار کلامی مطرفیه که نسخه خطی آن موجود است، این فرقه، از سده چهارم تا هشتم هجری در یمن فعالیت داشت.

جا دارد از ویراستاران و ناشران نشریه‌ها و کتابهایی که این مقاله‌ها ابتدا با عنایت و همکاری آنان انتشار یافت و اجازه تجدید چاپ آنها را در این اثر دادند، مراتب سپاس و امتنان خویش را ابراز دارم. در ضمن، فرصتی فراهم شد تا غلطهای چاپی این مقاله‌ها را اصلاح کنم و پاره‌ای نکات دیگر نیز بر آنها بیفزایم.

ویلفرد مادلونگ

نخستین آرای اهل سنت در باره ایمان به گونه‌ای که در کتاب الایمان ابو عبید قاسم بن سلام (۸۳۹ هـ / ۲۴۴ م) آمده است.

مذهب تسنّن اسلام همیشه دو مشرب متضاد درباره ایمان داشته است، یکی از آن دو که اساساً با مکتب فقهی حنفی اتفاق نظر داشت و مکتب کلامی ماتریدی از آن حمایت می‌کرد، اصولاً ایمان را به «علم یا تصدیق و شهادت به زبان، به استثنای عمل» تعریف می‌کرد. مخالفان این نظر عموماً داغ مرجحه را بر آن نهاده‌اند. مشرب دیگر که دو مکتب کلامی اشعری و حنبلی از آن حمایت می‌کردند و در مجموعه‌های فقهی احادیث اهل سنت مندرج است، ایمان را شامل تصدیق و شهادت زبانی و اعمال دینی دانسته است. این مسلک را با توجه به منشأ آن می‌توان مشرب محدثان اهل سنت نامید.^۱

جی شاخت، اسلام شناس برجسته^۲، که این مقاله به یاد او منتشر می‌شود، چند سال پیش یکی از نخستین رساله‌های عمدۀ ای را که اندیشه‌های مرجحه و حنفیه را بیان می‌دارد، یعنی کتاب العالم و المتعلم اثر ابو مقاتل سمرقندی (ف ۲۰۸ / ۸۲۳) را مورد تحلیل و بررسی قرارداده است. شایسته است در اینجا تحقیقات او را با یکی از نخستین آثاری تکمیل کنیم که دیدگاه‌های ضدّ حدیث گرایی را بیان می‌دارد؛ یعنی با تحلیل کتاب الایمان، تألیف محدث فقیه، مفسّر و نحوی معروف عرب، ابو عبید قاسم بن سلام هروی، که چندی پیش برای نخستین بار به چاپ رسید.^۳ این دو اثر چون به صورت تطبیقی و با عطف توجه به متون دیگر

۱- جی. ونسینک، اصول مربوط به ایمان در کلام اسلامی را کاملاً توضیح داده است:

The Muslim Creed و نیز توشهیکو ایزوتسو، *The Concept of Belief in Islamic Theology*

۲- جی شاخت J. Schacht «رساله‌ای از مرجحه نخستین: کتاب العالم و المتعلم» در *Oriens*، شماره ۱۷ (۱۹۶۴)، صفحات ۹۶ به بعد.

۳- عنوان کامل کتاب مطابق با نسخه خطی عبارت است از: کتاب فی الایمان و معالمه و سننه و استكماله و درجاته. محمد ناصر الدین البانی آن را در جلدی مشتمل بر چهار رساله (دمشق ۱۹۶۶) تصحیح کرده

و کم صراحةً تر مورد مطالعه قرار گیرند، در زمینهٔ ماهیت و رواج معارضه‌های نخستین مرجهٔ اخباری در خصوص ایمان، اطلاعات ارزشمندی را در اختیار ما قرار می‌دهند.

ابن ندیم کتاب الایمان را از جمله آثار ابو عبید بر نمی‌شمارد و نیز در هیچ یک از کتب تراجم احوال از آن یاد نشده است.^۱ سلسله روایات این کتاب که نامشان در آغاز تنها نسخهٔ خطی شناخته شده آن آمده، ناقص است و میان آخرین راوی که در دمشق در ماه صفر ۴۲۰/۱۰۲۹ فوریه - مارس آن را نقل کرده و اوّلین راوی ابو عبید، وقفه بسیار افتاده است. ظاهرآ هیچ یک از این رواییان را نمی‌توان به طریق دیگری معلوم کرد. با این حال، نشانه‌های محکمی وجود دارد که این رساله موثقاً اثر ابو عبید است. مؤلف مانند آثار دیگرش، مکرراً از خود به نام ابو عبید یاد می‌کند. از میان شانزده راوی که ابو عبید به اعتبار آنان در کتاب الایمان حدیث نقل می‌کند، تنها دو نفر در کتاب الاموال و کتاب فضائل القرآن دیده می‌شوند.^۲

سبک و روش تأليف کتاب الایمان شباهت نسبتاً زیادی بخصوص با کتاب الاموال دارد.

جا معیت کامل مؤلف بر تفسیر قرآن و حدیث و علاقه‌اش به زبان و مسائل لغوی، موافق دانش ابو عبید است. بعلاوه، چنانکه خواهیم دید، کتاب الایمان از نظر اعتقادی با نگرشاهی مذهبی ابو عبید که از طرق دیگر به دست آمده، کاملاً منطبق است؛ او نمایندهٔ مکتب محدثان اهل سنت و دوست احمد بن حنبل بود؛ اما روحیهٔ خشک ستیزهٔ جویانه و بنیادگرای او و مکتبش را در محکوم کردن انحرافات نداشت.^۳

فصل اول کتاب الایمان در بارهٔ تعریف ایمان، استكمال و مراتب آن است. از ابو عبید در خصوص اختلاف امت در مورد ایمان، استكمال، افزایش و کاهش آن و نیز از مشرب اهل سنت، یعنی محدثان در این زمینه سؤال می‌شود؛ او کتابش را در پاسخ به این سؤال می‌نگارد

است. رساله نخست که در صفحهٔ عنوان کتاب ذکر شده، کتاب الایمان ابن ابی شیبه است.
۱- عنوان کتابی که Gottschalk H. از فهرست ابن ندیم به نام کتاب الایمان و إلنذور استنساخ کرده است.
«ابو عبید قاسم بن سلام» در Islam [۱۹۳۶]، ص ۲۸۳ به جای الایمان باید الایمان خوانده شود. البته «کتاب قسمها و سوگندها» اثر دیگری است.
۲- راویانی که علی الظاهر در این آثار ذکر نشده‌اند، عبارتند از: اسحاق بن سلیمان رازی (ف ۱۹۹ تا ۲۰۰/۶)، ش ۳۹۱، ص ۱۲۶۸، ش ۱، ص ۳۹۱، (بخاری تاریخ کیرج ۱) و ابو احمد زیری = محمد بن عبدالله بن زیر اسدی (ف ۲۰۳ تا ۲۰۴/۶) و ابو احمد زیری = محمد بن عبدالله بن زیر اسدی (ف ۲۰۳ تا ۲۰۴/۶) (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۱ ص ۲۳۴ به بعد).

۳- در مورد زندگی و آثار ابو عبید، رک، بخصوص به مقاله Gottschalk در بارهٔ گرایشهای مذهبی وی می‌آورد، اما بیشتر خوب آشنا نمی‌گوید: او خود را از متعدد ترین راست دینان به شمار

Gottschalk می‌آورد، اما بیشتر خوب آشنا نمی‌گوید: او خود را از متعدد ترین راست دینان به شمار

و می‌گوید عالمان دین و دین خواهان در این باره به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای معتقدند که ایمان عبارت است از «اخلاص قلبی به خداوند، شهادت زبانی و عمل به ارکان دین». دسته‌ای دیگر معتقدند که ایمان «در قلب و زبان است، اما اعمال تنها تقوی و برآست^۱، نه جزو ایمان». ابو عبید می‌افزاید که قرآن و سنت نظریه نخست را تأیید می‌کنند و نظریه دوم را مردود می‌داند. نظریه اخیر را باید به وضوح از نوع نظریه مرجحه دانست که مکتب ابوحنفیه آن را مطرح می‌کند. ابوعبید هیچ جا از ابوحنفیه و مکتبش نامی به میان نمی‌آورد، ولی در سراسر کتابش به رد مرجحه حنفی می‌پردازد.

ابو عبید می‌کوشد شمول اعمال در ایمان را با استناد به قرآن کریم اثبات کند. وی می‌گوید که در آغاز رسالت محمد ﷺ و در طول دوران دعوتش در مکه، ایمان تنها بر اقرار به آشهدُ انْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ استوار بود؛ هر که به آن شهادت می‌داد مؤمن بود، و هنوز هیچ یک از تکاليف دینی مانند روزه و زکات بر مردم واجب نشده بود. بنابر روایات علماء، سبکی بار مسؤولیتی که در آن زمان بر ذمّه مؤمنان قرار گرفت از رحمت خداوند بود تا مردم را به پذیرش دین اسلام ترغیب کند؛ زیرا در آن زمان قلبهای آنان هنوز به شرک و بت‌پرستی آلوده بود. تنها مددتی پس از هجرت پیامبر اکرم به مدینه، با تغییر قبله به سوی کعبه، بتدریج تکالیف دیگر بر مسلمانان واجب شد. به هنگام تنفيذ تکالیف جدید، خداوند مسلمانان را براساس شهادت قبلی ایشان مؤمن خواند؛ زیرا تا آن روز هیچ تکلیف دیگری بر آنان فرض نشده بود. در این هنگام، این تکالیف به صورت بخش کامل کننده ایمان در آمد. بنابراین اگر مسلمانان با تمسک به شهادت قبلی خود، قبله‌شان را در نماز به سوی کعبه تغییر نمی‌دادند، «سودی از آن برایشان حاصل نمی‌شد و ممکن بود به عدم قبول شهادت ایشان بکشد، زیرا نخستین عمل ایشان یعنی اطاعت، بیشتر از دو میں عمل ایشان مستحق نام ایمان نبود».

احتمالاً انگیزه ابوعبید از بحث درباره زمان آشکار شدن تکالیف اسلامی آن نبوده که در دفاع از عقاید خود به استدلالی روش پردازد، بلکه انگیزه او ضرورت رد دلایل معمول مرجحه بوده است. ابوحنفیه در نامه‌اش به عثمان بتی می‌گوید که حضرت محمد ﷺ در آغاز

۱- نظریه‌ای را که در اینجا با مرجحه نسبت یافته است، یعنی نظریه‌ای که می‌گوید اعمال تقوایند، می‌توان با پاسخ طلق بن حبیب، از نخستین مرجحیت‌های بصری، که در کتاب الایمان ابن ابی شیبه (ص ۳۳ ش ۹۹) نقل شده است، مقایسه کرد: «تفقاً مشتمل است بر التزام عملی به اطاعت از خداوند، بالمیبد به رحمت خداوند؛ تقواً مشتمل است بر پرهیز از نافرمانی نسبت به خداوند، ترس از خداوند».

رسالتش مردم را تنها به شهادت دادن به یگانگی خداوند و پذیرفتن آنچه که او از جانب خداوند بیاورد، فراخواند. هر کسی که اسلام را با این شرایط می‌پذیرفت، مؤمن خوانده می‌شد. اگر ایمان، به گونه‌ای که مخالفان می‌پندارند، شامل اعمال هم می‌شد، مسلمانان پیش از تعیین تکالیف اسلامی مؤمن خوانده نمی‌شدند^۱، ابو مقاتل نیز می‌گوید که خداوند پس از آنکه مسلمانان به دین اسلام اقرار کرده بودند (اقرّوا بالّدین) تکالیف دینی را برای آنان واجب کرد. اگر این تکالیف جزئی از ایمان را تشکیل می‌داد، خداوند در لحظه برقراری این تکالیف آنان را مؤمن نمی‌خواند، در حالی که در بسیاری از آیات قرآن آنان را مؤمن خوانده است.^۲ بدین ترتیب برگردن ابو عبید است که ثابت کند که تکالیف تعیین شده جدید تکمیل کننده ایمانند و نه تکالیف تبعی صرف، به گونه‌ای که مرجحه قائلند. ابو عبید آیه ما کانَ اللّهُ لِيُضِعِ ایمانکم (خداوند ایمان شما را تباہ نمی‌کند)^۳ را در حقیقت برای اثبات این که نماز جزئی از ایمان است شاهد می‌آورد و می‌گوید که این آیه هنگام تغییر قبله مسلمین، به منظور درستی و اعتبار نماز کسانی که پیش از تغییر قبله به رحمت ایزدی پیوستند، نازل شده است.^۴ او در اثبات این که زکات جزئی از ایمان است به اوبکر اشاره می‌کند و می‌گوید وی با کسانی که از پرداخت آن خود داری ورزیدند، جهاد کرد، حتی با این که آنان تکلیف زکات از جانب خداوند را انکار هم نکرده بودند.

بی شک هر یک از دستورات الهی از لحظه وحی آن به بعد تکلیف واجب ایمانی شده در اینجا خطای کسانی که قائلند که ایمان تنها عبارت است از «اقرار» آشکار می‌شود؛ آنها هنگامی که شنیدند خداوند نخستین مسلمانان را مؤمنون می‌خواند، ایمان کامل در نهایت کمالش را به آنان نسبت دادند. این گروه در باره حدیثی از پیامبر اکرم که ایمان را تنها اعتقاد به خداوند و شهادت بر رسالت محمد ﷺ وصف کرده بود و حدیث دیگری از آن حضرت که کنیزی ایرانی را چون بر اعتقاد به خداوند و به محمدًا رسول الله گواهی داد مؤمنه خواند، همین اشتباه را مرتکب شدند. منظور از این موارد تنها نخستین مرحله ایمان و قبول آن است، دلیل آن آیه ۱۲۶ در سوره نهم و آیه ۲ در سوره هشتم قرآن است که از افزایش ایمان در میان

۱- رسالتة الى عثمان بٰتى، در العالم و المتعلم، به اهتمام، ام.ز. کوثری، صفحات ۳۵ به بعد. عثمان بٰتى ظاهراً در نامه‌اش به ابوحنفیه در باره موقعیت دینی مسلمانان صدر اسلام سخن گفته بود. این امر حاکی از آن است که بحث ایمان حتی پیش از ابوحنفیه مطرح بوده است.

۲- العالم و المتعلم، ص ۱۲.

۳- بقره / ۱۴۳؛ ترجمة آیتی - م

۴- این تفسیر، تفسیر معمول آیه بود(رک، طبری، ذن، ... ایاک، حمله ۳ ص ۱۶۷ و بعد).